

ابن خلدون (تفه تفه)
ابلق: انب سياه و سفيد
لغه: زرد رنگ و سدره
نورد: تندرم

کهر: اسب سرخ مایل به تیره / کزنگ: اسب سفید مایل به زرد و غیره
درس چهاردهم: حمله‌ی حیدری

بندد کمر / کینه اول / که بر کینه اول / که بر کینه اول / که بر کینه اول

بهر / رخست / دويد / ازو / خواست / دستوری / اما / ندید

بر / مصطفی / جاس / برای / اجازه / رسم / اجاره / زمین / برای / صفت / که / زمین / ملی

بهر / رخست / دويد / ازو / خواست / دستوری / اما / ندید

بر / مصطفی / جاس / برای / اجازه / رسم / اجاره / زمین / برای / صفت / که / زمین / ملی

بهر / رخست / دويد / ازو / خواست / دستوری / اما / ندید

بر / مصطفی / جاس / برای / اجازه / رسم / اجاره / زمین / برای / صفت / که / زمین / ملی

عمرو برای بار دوم مبارز می طلبد. پیامبر از لشکر می پرسد که چه کسی حاضر است با عمرو بجنگد؟ لیکن جز علی(ع) کسی اعلام آمادگی نمی کند. پیامبر به علی هشدار می دهد که او عمرو است. علی(ع) جواب می دهد: «من هم علی بن ابی طالبم» و پس از گفت و گوهای بسیار، از پیامبر(ص) اجازه نبرد می گیرد. در میدان نبرد، عمرو از جنگ با علی امتناع می کند؛ با این بهانه که نمی خواهم به دست من کشته شوی، اما علی(ع) در پاسخ می گوید: «ریختن خون تو برای من از ملک روی زمین بهتر است.» : عمرو این بار خشمگینانه از اسب پایین می آید و:

امام علی (ع) **سیر حسینی**

امام علی (ع)

به سوی هژبر ژیان کرد رو

پیشش برآمد **شاه جنگ جو**

دستی **جناس**

سواره **جناس**

۱۰ دویدند از کین دل سوی هم

در صلح بستند بر روی هم مبارزه کا صیدی

انزاق آسان ترسید **کنایه** - **تسفی** = **اسقاره**

ترسناک **واج آرای بودن**

فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ **جناس**

بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ **عمر بن عبدود**

عمر بن عبدود

نخست آن سیه روز و برگشته بخت

بالا برد **مجاز دست بکلیه**

علم بر مردم
الم: حرد

آورد شیر اله **جناس**

بالا بردن - از استن **علم کرد** شمشیر آن اژدها **حفاع**

حانه **تسبیه** / **تسفی** = **اسقاره**

کنایه از عصبانی شدن

چون کوه پا بر زمین **بیفشرد**

بخایید دندان به دندان کین **خشم / مآوخت**

زبانید **تسفی** **اسقاره**

به هم حمله کردند باز از دو سر **درگیری مجدد**

۱۵ چو نمود **رخ** شاهد **آرزو**

ناموفق بودن

سیران مبد

که کم دیده باشد زمین و زمان **تسفی اسقاره**

نهادند آوردگاهی چنان **انزاق**

تن هر دو شد از نظر ناپدید **وصفی**

ز بس گرد از آن رزمگه برومید **وصفی**

مجاز از من وجود **عفت**

نفس بقی تکرار x x x **ربط**

سرو روی مردان پر از گرد و خاک **سخت درگیری**

ز ره **لخت لخت** و **قبا چاک چاک** **منه**

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

چنین آن دو **ماهر** در آداب **ضرب**

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

سیر **غضنفر** **جانی**

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

چنان دید بر روی دشمن ز **خشم**

که شد ساخته کارش از زهر چشم **مجاز از نگاه**

برافراخت پس دست خیرگشا **وصفی**

پی سر بریدن **بیفشرد** پا **مبارزه**

به نام خدای جهان آفرین **وصفی**

زرد **بینداخت** شمشیر را **امام علی (ع)**

چو شیر خدا راند بر **خشم** **تیغ**

به سر کوفت شیطان دو دست **دریغ**

جناس

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

چون دید بر روی دشمن ز **خشم**

که شد ساخته کارش از زهر چشم **مجاز از نگاه**

برافراخت پس دست خیرگشا **وصفی**

پی سر بریدن **بیفشرد** پا **مبارزه**

به نام خدای جهان آفرین **وصفی**

زرد **بینداخت** شمشیر را **امام علی (ع)**

چو شیر خدا راند بر **خشم** **تیغ**

به سر کوفت شیطان دو دست **دریغ**

جناس

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

چون دید بر روی دشمن ز **خشم**

که شد ساخته کارش از زهر چشم **مجاز از نگاه**

برافراخت پس دست خیرگشا **وصفی**

پی سر بریدن **بیفشرد** پا **مبارزه**

به نام خدای جهان آفرین **وصفی**

زرد **بینداخت** شمشیر را **امام علی (ع)**

چو شیر خدا راند بر **خشم** **تیغ**

به سر کوفت شیطان دو دست **دریغ**

جناس

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

چون دید بر روی دشمن ز **خشم**

که شد ساخته کارش از زهر چشم **مجاز از نگاه**

برافراخت پس دست خیرگشا **وصفی**

پی سر بریدن **بیفشرد** پا **مبارزه**

به نام خدای جهان آفرین **وصفی**

زرد **بینداخت** شمشیر را **امام علی (ع)**

چو شیر خدا راند بر **خشم** **تیغ**

به سر کوفت شیطان دو دست **دریغ**

جناس

ز هم رد نمودند هفتاد **مبارزه**

اسقاره و تسفی نیست!

۲۵ پرید از رخ کفر در هند رنگ میان مجاز از سرزمین کفر
 تپیدند بت خانه‌ها در فرنگ سستی باطل در برابر حق
 غنصر بزد تیغ بر گردش در آورد از پای، بی سر تنش تا بود مردان
 امام علی (ع) زمانه از استیغ

دم تیغ بر گردش چون رسید سر عمرو صد گام از تن پرید زمین‌های محرماتی
 زمانه از استیغ

چو غلتید در خاک آن ژنده فیل بزد بوسه بر دست او، جبرئیل از زین معنوی مبارزه
 زمانه از استیغ

حملة حیدری، باذل مشهدی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

■ اسب (.....)

■ اجازه (.....)

■ شیر (.....)

۲. چهار واژه مهم املائی از متن درس انتخاب کنید و بنویسید.

۳. در بیت بیست و یکم، گروه‌های اسمی و هسته هر یک را مشخص کنید.

همان دید بر روی دامن زلفم / نه شد ساخته حارس از زهر حرم

قلمرو ادبی

۱. در متن درس، دو نمونه «استعاره» بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۲. مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

■ دندان به دندان خاییدن (.....)

■ رنگ باختن (.....)

۳. دو نمونه از کاربرد آرایه «اغراق» در متن درس بیابید.

قلمرو فکری

۱. معنی و مفهوم بیت ششم را به نثر روان بنویسید.

۲. پیام ابیات زیر را بنویسید.

چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ به سر کوفت شیطان دو دستِ دریغ

پرید از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت خانه ها در فرنگ

[پیروزی حق بر باطل / تاسف شیطان از سست خوردن]

۳. داستان زیر را که از مثنوی مولوی انتخاب شده است، به لحاظ محتوا با درس مقایسه کنید.

از علی آموز اخلاص عمل / شیر حق را دان منزه از دغل
 در غذا بر پهلوانی دست یافت / **مَصَا: سزوست** **بیا** **بیزند** **اصلاص** **امام علی دعی**

زود شمشیری بر آورد و شتافت / او خدو انداخت در روی علی

کرد او اندر غزایش کاهلی / **بده** **افتخار هر نبی و هر ولی**

وز نمودن عفو و رحم ب **بجی** / در زمان انداخت شمشیر آن علی
امام علی دعی **مید را چه ما میرانواخت**

از چه افکندی مرا بگذاشتی؟ / گفت بر من تیغ تیز افراشتی

بنده حقم نه مأمور تنم / **معمور: سالخورده** **بسر** **امر شده** **عدم پیروی از هوای نفسی** **گفت: من تیغ از پی حق می زخم**

فعل من بردین من باشد گوا / شیر حقم نیستم شیر هوا

ساهر، نای دهنده **که کار** **که هوا، هوس** **سند** **هستم**

شعر خوانی : وطن

اسفاره مردا شجاع هجاء از نر داد

مفعول + مند

۱ منم پور ایران و نام آورم ز نیروی شیران بود گوهرم انتخار به ملت

مفعول + مند

۲ کتم جان خود را فدای وطن پیمان بستن با و چنین است پیمان من فدائاری

نشانه عالمی ← دفاع از وطن

۳ دفاع از وطن، کیش فرزاندگی ست گذشتن زجان، رسم مردانگی ست فدائاری / مردانگی

کسی کز بدی، دشمن میهن است

۴ کسی کز بدی، دشمن میهن است

۵ مرا اوج عزت در افلاک توست

خاک زدن بالور ← اسفاره = تسفیه

۶ خاکی که ما را از سر زمین

۷ خاکی که ما را از سر زمین

۸ خاکی که ما را از سر زمین

۹ خاکی که ما را از سر زمین

۱۰ خاکی که ما را از سر زمین

۱۱ خاکی که ما را از سر زمین

۱۲ خاکی که ما را از سر زمین

۱۳ خاکی که ما را از سر زمین

۱۴ خاکی که ما را از سر زمین

۱۵ خاکی که ما را از سر زمین

۱۶ خاکی که ما را از سر زمین

۱۷ خاکی که ما را از سر زمین

۱۸ خاکی که ما را از سر زمین

۱۹ خاکی که ما را از سر زمین

۲۰ خاکی که ما را از سر زمین

نظام وفا

درک و دریافت

۱. دربارهٔ لحن و آهنگ خوانش این سروده توضیح دهید.

۲. یکی از بیت ها را به دلخواه انتخاب کنید و پیام کلی آن را بنویسید.

